

بانوان محله امام خمینی^(۵)، هنرشان را به فرصتی برای درآمدزایی تبدیل کرده‌اند

پناهگاهی برای کسب و کارهای کوچک

عیدگاه

بازارچه برایش انتخاب مناسبی باشد؛ «در بازارچه‌های دیگری هم شرکت کرده‌ام، اما اینجا برایم بهتر است. هم نزدیک خانه‌ام است و هم مشتریان محلی را راحت تر پیدا می‌کنم.»
او درباره سختی‌های کارش هم می‌گوید: دست درد و کمردرد همراه همیشگی من است، اما پانزده سال است که از همین راه خرج زندگی‌ام را درمی‌آورم.

● درآمدزایی در کنار نمایش هنر

در میان غرفه‌ها، دست‌سازه‌های رنگارنگ مهسانا صریان توجه‌ها را به خود جلب می‌کند؛ دختری پانزده ساله که کوچک‌ترین فروشنده این بازارچه است. دستبند و گردنبند می‌سازد و کنار آن، لیف و شال گردنی‌هایی را که خودش بافته، برای فروش آورده است. مهسامی می‌گوید: بافتنی را از مادرم و ساخت دست‌بند و زیورات را از فضای مجازی یاد گرفتم. چهارمین باری است که در بازارچه شرکت می‌کنم و توانسته‌ام مشتری‌هایی پیدا کنم که مدل مد نظرشان را سفارش می‌دهند. او می‌گوید از اینکه می‌تواند هنرش را نشان دهد و در کنار آن درآمد کوچکی برای خودش داشته باشد، خوشحال است.

● کمک به اقتصاد خانواده‌ها

ریحانه معتمدی یکی از مشتریان بازارچه است. او برای نماز به مسجد می‌آید و تقریباً هر بار سری هم به غرفه‌ها می‌زند. به گفته او، بعضی محصولات، به ویژه محصولات کشاورزی، قیمت مناسبی دارند؛ «چند بار خیار و گوجه‌ای را که محصول باغ یکی از بانوان بازارچه بوده است، خریده‌ام و از کیفیتش راضی بوده‌ام.»

است. زارعی می‌گوید: هر ماه از یک هفته قبل، نام بانوان متقاضی، ثبت می‌شود تا فرصت فروش فقط در اختیار چند نفر نباشد و به این روش، میان بانوانی که در یک حوزه فعالیت می‌کنند، نوبت بندی انجام می‌شود.
زارعی خودش هم بعضی ماه‌ها با محصولاتی مانند زرشک و زعفران در بازارچه حضور دارد. او درباره استقبال مردم می‌گوید: آن قدر خوب بوده که باعث شده بعضی بانوانی که تا قبل از این فعالیت نداشتند، به فکر راه اندازی یک کسب و کار خانگی بیفتند.

● برای چرخاندن چرخ زندگی

روی یکی از میزها شیشه‌های خیارشور، رب، آبلیمو و آبغوره به چشم می‌خورد. عاطفه خاکپور همراه خواهرش این محصولات را آماده می‌کند. می‌گوید سال‌هاست این کار را انجام می‌دهد و حالا برای محصولاتشان مشتریان ثابتی پیدا کرده‌اند.
خانه خاکپور نزدیک مسجد است و همین موضوع باعث شده است

نجمه موسوی زاده^(۶) و دوشنبه اول ماه که از راه می‌رسد، مسجد علی ابن ابی طالب^(۷) در محله امام خمینی^(۸) فقط میزبان نمازگزاران نیست؛ گوشه‌ای از مسجد رنگ و بوی دیگری می‌گیرد. میزهایی کنار هم چیده می‌شوند که روی هر کدام از آن‌ها محصولات یا هنر بانوان محله قرار دارد؛ از شیشه‌های ترشی، رب و آبلیمو گرفته تا زیورات دست‌ساز، بافتنی و محصولات تی که از باغ و زمین‌های کشاورزی به مسجد آورده شده‌اند. اولین دوشنبه شهریور، دوازدهمین دوره این بازارچه مشاغل خانگی برگزار شد؛ بازاری کوچک برای زنانی که بخشی از درآمدشان را از هنرشان به دست می‌آورند.

● انگیزه‌سازی یک بازارچه

زهرار زارعی مسئول برپایی این رویداد است. او می‌گوید: این بازارچه از تابستان سال گذشته راه افتاد. ایده برگزاری آن هم این طور شکل گرفت که اطراف مسجد، خانه‌های سازمانی ارتش قرار دارد و بسیاری از بانوان ساکن این خانه‌ها مهارت‌ها و هنرهای مختلفی دارند؛ از خیاطی گرفته تا درست کردن سبزی خورشتی و ترشی، عروسک‌سازی و زیورات، حتی برخی از آن‌ها محصولات باغ و زمین روستایشان را برای فروش داشتند.
زارعی توضیح می‌دهد: قبل از راه اندازی بازارچه، بعضی از این بانوان برای فروش محصولاتشان مجبور بودند اهالی را به خانه خود دعوت کنند؛ رفت و آمدهایی که گاهی برای خانواده‌ها و همسایه‌ها مزاحمت ایجاد می‌کرد. به همین دلیل تصمیم گرفتیم فروش محصولات در قالب یک بازارچه و به صورت ماهیانه انجام شود.
این بازارچه کارش را با حدود بیست غرفه آغاز کرد و حالا تعدادشان به ۳۵ غرفه رسیده



نوجوان محله انقلاب در اجتماعات شبانه حضور فعالی دارد

رویش‌های کوچک در حاشیه خیابان

امید محله

● از وقتی مدارس تعطیل شد، چه چیزی آموزش می‌دهی؟

اوایل فقط پرچم یا پلاکارد به دست می‌گرفتیم. خانم بخشی که از بسیجیان این مسجد است، شرایط را برایمان فراهم کرد تا هر کدام در زمینه‌ای که توانمند هستیم، به سایر دختران آموزش بدهیم. من زبان انگلیسی یاد می‌دهم، نقاشی و خط یاد می‌گیرم. یکی از دوستانم به نام سارا زبان عربی را خوب بلد است. از دوماه قبل، او عربی را به من یاد می‌دهد. هر کس در هر زمینه‌ای توانایی بیشتری دارد، به بقیه همان را آموزش می‌دهد. مثلاً نقاشی را همه بلدند، اما کسی که قوی‌تر است، بقیه را راه می‌اندازد.

● شنیده‌ام شب‌ها کنار هم سالانت، فعالیت گروهی هم داری؟

برای پهن و جمع کردن زیرانداز، وسایل نقاشی، خط و... به بزرگ‌ترها کمک می‌کنیم. برای بچه‌های کوچک تر اسباب بازی می‌آورم، استکان‌های چای را جمع می‌کنم و اگر لازم باشد، در شست و شوو توزیع چای بین اجتماع‌کنندگان هم کمک می‌کنم. در گروه سرود عضو هستیم و با بچه‌ها سرود خواندن تمرین می‌کنیم و چند بار هم در اجتماع دکلمه خوانده‌ام.

● در اوقات فراغت چه کاری انجام می‌دهی؟

روزهایی که به مدرسه می‌روم، از کتابخانه مدرسه کتاب امانت می‌گیرم. حالا هم مجله‌هایی را که مادرم می‌خرد، مطالعه می‌کنم. با خواهرم مسابقه نقاشی می‌گذارم. به ستاره‌شناسی علاقه دارم و دوست دارم در آینده در این زمینه اطلاعات بیشتری کسب کنم.

آمده‌ام. حتی شب‌هایی بوده که بعد از مهمانی، خودمان را به اجتماع رسانده‌ایم.

● چه چیزی سبب شده است این قدر با انگیزه حضور داشته باشی؟

علاوه بر دوستان خوبی که در این اجتماع پیدا کرده‌ام، اینکه به من و سایر دختران مسئولیت می‌دهند، برایم حس خوبی دارد. جویازی که مسئولان، خانم زهرا بخشی، بین ما توزیع می‌کنند، سبب می‌شود برای آمدن دلگرم شویم.

● از چه زمان آموزش در اجتماعات شبانه را شروع کردی؟

پیش از تعطیلی مدارس به دلیل اینکه در درس‌هایم قوی هستم، آنچه را از ریاضی، علوم و فارسی بلد، به هم‌سن و سال‌هایم

سمیرا منشادی^(۹) بیش از ۱۷۰ شب است که اهالی محله انقلاب مقابل مسجد حمزه سیدالشهدا^(۱۰) اجتماعات شبانه برگزار می‌کنند. در این اجتماعات، کودکان و نوجوانان محله هم در کنار بزرگ‌ترها حضور دارند. این همدلی علاوه بر نشان دادن ایستادگی و بیعت با رهبر معظم انقلاب، برکات دیگری هم برای اهالی محله داشته است. آموزش کودکان، برگزاری کلاس‌های هنری و بازارچه فروش از جمله اقداماتی است که در حاشیه این اجتماعات رقم می‌خورد. فاطمه دهنوی دوازده ساله، یکی از نوجوانانی است که به برکت همین اجتماعات در نقاشی توانمند شده و حالا به سایر دختران زبان انگلیسی آموزش می‌دهد.

● دلیل آمدنت به اجتماعات شبانه چیست؟

روزی که متوجه شدم رهبرمان شهید شده است و دانش‌آموزان مدرسه میناب توسط رژیم کودک‌کش اسرائیل و آمریکا به شهادت رسیده‌اند، به همراه سایر مردم به خیابان آمدم. می‌خواهم با آمدنم، مظلومیت دانش‌آموزان را به همه نشان بدهم. تاروژی هم که رهبرمان فرمان دهد، در خیابان می‌مانم.

● هرشب، با چه کسی می‌آیی؟

همراه خانواده‌ام. شب‌هایی هم بوده است که به اتفاق دو خواهرم

